

برگرفته از صنم با از رخ مملون نقاب  
 از خروغ روحی است ~~شکر~~ شکر مکتوبه  
 ماه و خورشید ملک از مظهر الحف صدا  
 می نمایند از جینت روستان کتاب  
 آفتاد راه رو عکس رفت بر آب و خاک  
 خاک شد مانند غیر آب شکر همچون ~~کتاب~~  
 عاصمان گشته از خون تو بر آب و توان  
 تا برشان کرده ای آن طره بر روی و تاب  
 مایه کلرنگ دلار است زنا بدست  
 با شکر نعل از رنگ لاینت گشته آب  
 از لزل نام تو بر بوع صنم بیت شه  
 کرده ام غم ترا از بین جوانی آسمان  
 منت کار از فضول که از غم بیان  
 من صنم خنده ام والله اعلم بالصواب